

بررسی زیبایی‌شناسی سفالینه‌های کاشان دوره ایلخانی بر اساس آرای آن شبدر

* دکتر امیرحسین چیت‌سازیان

** سیده نرگس سعادت میرقدیم

چکیده: فن و هنر سفالگری کاشان سابقه دیرینه دارد، در طی این سابقه طولانی ویژگی‌های مشخصی را در آن می‌توان مشاهده نمود که از جهات مختلف شایسته تحقیق و مطالعه است. این فن و هنر در دوره‌های مختلف تحول و تکامل یافته است، این تحول و تکامل در دوره اسلامی بسیار چشمگیر بوده و در مقایسه با دوره‌های قبل دارای اهمیت بسیاری می‌باشد. از جمله دوره‌هایی که سفال کاشان دارای درخشش و اهمیت بوده دوره ایلخانی مغول می‌باشد. تولید ظروف لعابی در کنار ترکیب بندی عناصر چینی و اسلامی و حل شدن آن در عناصر ایرانی، هنر این دوران را دارای ویژگی خاصی کرده است.

در این مقاله با توجه به پژوهش کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی زیبایی‌شناسی آثار سفالی دوره ایلخانی کاشان بر اساس آرای آن شبدر با تأکید بر برجستگی‌های هنری همچون باز نمود^۱، فرانمود^۲ و فرم^۳ پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: سفال، کاشان، دوره ایلخانی، زیبایی‌شناسی، باز نمود، فرانمود، فرم

◆ مقدمه

حمله مغولان یکی از غم‌انگیزترین اتفاقات تاریخ ایران بوده بطوریکه تاریخ نگاران، استیلای مغولان را بر ایرانیان فاجعه‌انگیزترین رویدادهای تاریخ بر می‌شمارند ولی در واقع «گرچه حملات مغول برای مدتی فعالیت هنری را متوقف کرد، ولی به تدریج حکمرانان مغول عمیقاً تحت تأثیر میراث هنری ایران که قبل از حمله آنان به سر حد کمال رسیده بود قرار گرفته و با پذیرش دین اسلام به تشویق و ترویج هنرهای اسلامی پرداختند. هنرمندان و صنعتکاران این دوره نیز با پیروی از شیوه متقدم، در هنر سفالگری و تزیینات شاهکارهای متعددی به وجود آوردند» (میرعباسیان، ۱۳۷۹: ۱۳). در این مقاله با توجه به آثار فراوان و با ارزش سفالی که از دوره ایلخانی بر جای مانده است به بررسی اجمالی زیباشناسی آثار سفالی کاشان با در نظر گرفتن وجوهی همچون باز نمود، فرانمود و فرم پرداخته شده است.

◆ ۱: تاریخچه‌ای بر سفالینه‌های دوره ایلخانی

پس از حملات ویرانگرانه مغولان سفالگری در شهرهایی همچون ری و نیشابور متوقف شد، اما سفالگری کاشان با وجود صدمات سختی که در سال ۶۱۹ متحمل گردید، بعد

بررسی آثار هنری بخصوص از دیدگاه زیباشناسی و فلسفی، بدون توجه به آفریننده آن و بدون توجه به اندیشه و تفکر و مقدمات او و آگاهی از این که به چه دلیل و به چه قصد آن را به وجود آورده و همچنین امکانات و شرایط هنرمند در زمان آفرینش اثر، مطلوب نیست. این گونه بررسی، به صورتی محرومیت از درک صحیح و کامل ارزش هنری، اثر می‌باشد. متأسفانه بنابر سنت و شیوه قدیمی هنرمندان سفالگر، مانند دیگر هنرمندان سنتی فنون و رموز خود را، به غیر از افراد خانواده نمی‌آموختند و به همین دلیل مدرک و یا نوشته‌ای که قواعد علمی، فنی، هنری نگاره‌ها و تزیینات این هنر را نشان دهد یا حتی تفکرات، روحیات و اندیشه هنرمند را بیان کند یا در دست نمی‌باشد یا بسیار اندک و کم است پس ناگزیر برای بررسی هنر این دوره باید به بررسی آثار به جا مانده پرداخت زیرا جای تردید نیست که بیشتر آثار هنری آن چه که در نهان دارند در بر دارنده همان اندیشه و تفکر هنرمند می‌باشد و نشان دهنده فرهنگ و امکانات و محدودیت‌های زمانه خود.

* استادیار دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان.

** دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان.

از زمان کوتاهی بالاخره توانست بهبود یافته و ترمیم گردد تولید ظروف لعابی با نقشمایه‌های محافظه کارانه که یادآور نقشمایه‌های کهن سلجوقی بود در سرتاسر سده هفتم و هشتم ادامه یافت، ولی تولید متأخر نمایانگر تأثیرات آسیای شرق دور بود.

ایران در زمان فتوحات مغول، یک گذشته فرهنگ اسلامی بالغ بر پانصد ساله را از سرگذرانده بود که وقتی حکام جدید مغول از دین بودائی به اسلام گرویدند، این فرهنگ اسلامی را جذب کردند. بخش اعظم تولیدات ایلخانی را سفالینه‌های زیرلعابی تشکیل می‌دهد. «در سده هشتم سبک جدیدی با رنگ گزینی محدود به وجود آمد ویژگی این دوره را می‌توان در نوعی اسلوب رنگ گذاری ضخیم مشاهده کرد که با مهارت به کار می‌رود. سبک جالب دیگری به نام سبک لاجوردی شکل گرفت که در آن زمینه به رنگ لاجوردی درخشان است و تزئین آن معمولاً نقش و نگار ظریفی است با سفید که رگه‌های طلا بر آن افزوده شده است. در قدح‌های خیاره‌دار ظرافت لازم به دست آمد، اما ترکیب‌بندی‌های پرکار آغاز قرن دیگر پدیدار نشد. آیا این مسئله به سبب تغییر رسم رایج بود یا عوض شدن مشتریان؟ پرسیدنش آسان است اما پاسخ به آن ابداً آسان نیست» (اتینگهاوزن، ۱۳۷۹، ۱۴۷). در این دوره «همچنین نقوش نیم برجسته در داخل و خارج ظرف، توأم با پوشش لعاب لاجوردی فیروزه‌ای برای آرایش بسیاری از ظروف سفالین مورد استفاده قرار گرفته است» (اکبری، ۱۳۷۵، ۵۱۷). که از تغییرات قابل توجه این دوره می‌باشد.

ظروف سفالین دوره ایلخانی در شهرها و در کارگاه‌های متعددی ساخته می‌شده؛ از جمله کاشان، کرمان، جرجان، سلطان آباد، تخت سلیمان و «به شیوه یکرنگ، زرین فام، مینایی، نقش کنده، یکرنگ لاجوردی ساخته شده است» (کیانی، ۱۳۷۹، ۳۸). ولی به جرات می‌توان گفت که کاشان مهمترین مرکز سفالگری در این دوران بوده است.

◆ ۲: زیباشناسی سفالینه‌های کاشان در دوره ایلخانی

هنر سفالگری، به دلیل مردمی بودن آن، در هر منطقه، گویای ویژگی‌های خاص آن منطقه می‌باشد. زیرا طرز ساخت ظروف و اشیاء سفالین، از نظر روش فنی، شکل، رنگ و نقش تزئینی مورد استفاده، زبان گویایی است که پس از صدها سال، ما را به شیوه تفکر و قدرت تخیل سازندگان آن آشنا می‌کند و رازهای بسیاری را که نگارش و تکلم قادر به انتقال آن نبوده است، بر ما فاش می‌سازد. کاشان از مهمترین مناطق سفالگری دوره ایلخانی می‌باشد «با اینکه کاشان هیچ گاه پایتخت نبوده است ولی مرکز

صنایع زمان صلح گردید و آوازه صنایع آن در همه جهان اسلام پیچید» (وولف، ۱۳۸۴، ۱۳۳). شکی وجود ندارد که سبک‌های فنی و هنری سفالینه‌های کاشان که در طول تاریخ هنر سفال این منطقه به وجود آمده قبل از هر چیز زیبا است و از این حیث شبیه کلیه هنرهای سنتی دیگر می‌باشد، ولی آنچه که می‌توان در بحث زیباشناسی این دوره گفت با تکیه بر دیدگاه این مقاله موضوعاتی همچون، مضمون تزئینات و نقوش، رنگ‌ها و فرم می‌باشد. که هر یک بیانگر قدرت و تسلط هنرمند در این هنر می‌باشد. بطور کلی شکل لعاب دهی، تزئینات نقوش گیاهی، حیوانی، انسانی و توانایی در ترکیب‌بندی و کنار آن ترکیب عناصر چینی و اسلامی و حل شدن در عناصر ایرانی، هنر این دوره را دارای برتری خاص کرده است. «به نظر بعضی از متخصصان وجه تمایز ظروف سفالین لعابدار ساخت کاشان، موضوع‌هایی است که سفالگران در تزئینات خود به کار برده اند. بدین معنی که هنرمندان کاشان در کار خود، نقش خصوصی را مورد نظر قرار نمی‌داده‌اند، بلکه صحنه تزئین برای آنها بیشتر اهمیت داشته است» (رفیعی، ۱۳۷۸، ۱۰۲). این نکته از آن جهت اهمیت پیدا می‌کند که نشان دهنده اهمیت مضمون در بیان تزئینات نقوش سفالینه‌ها در این شهر می‌باشد و دلالت بیشتری بر بیان وجوهی چون بازنمود و فرامود در این آثار می‌باشد.

از دیدگاه آن شپرد «همه آثار هنری در چیزی مشترکند، یعنی صفت مشخصه‌ای دارند که آنها را به نحوی خاص ارزشمند می‌سازند. از برجستگی ممیز هنر، بازنمود، فرامود، یا فرم است؛ همچنین پاره‌ای ادعا کرده‌اند که وجه اشتراک همه اشیاء زیبا نه نسخه‌برداری است نه فرامود نه فرم؛ بلکه کیفیت زیبا است» (شپرد، ۱۳۸۵، ۴). با توجه به این دیدگاه و رویکرد به زیباشناسی آثار هنری، در زیر به بررسی زیباشناسی سفالینه‌های کاشان دوره ایلخانی پرداخته شده البته مسائل زیباشناسی به مسائل دیگر حوضه‌های فلسفه همچون فلسفه ذهن و فلسفه اخلاق و غیره نیز ربط می‌یابد؛ که در اینجا به آنها پرداخته نشده است.

◆ ۲-۱: بازنمود در سفالینه‌های کاشان دوره ایلخانی

نگرشی که هنر بازنمایی است، از دیر باز تاریخ وجود داشته است، بازنمود یا محاکات یکی از کهن‌ترین نگرش‌های نظری درباره هنر است. روایت افلاطون در کتاب دهم جمهور از این نگرش بسیار مشهور و نافذ است از نظر افلاطون جایگاه زیبایی حقیقی و آرمانی در عالم مثل است. زیبایی طبیعی و محسوس از زیبایی عالم مثل نشات گرفته؛ پس به اندازه یک مرتبه از اصل خود فاصله گرفته است.

حمله‌ور شده است. این نقاشی به دلیل پهنه وسیع جزئیات دقیق اهمیت زیادی دارد» (اتینگهاوزن، ۵۱۷، ۱۳۷۸). در این سفالینه به بازنمایی صحنه جنگ بر روی کاسه سفالین کم عمق با تزیین مینایی چند رنگ و لعاب مات مایل به سفید پرداخته شده است.



تصویر ۱: کاسه سفالین کم‌عمق با تزیین مینایی چند رنگ مایل به سفید، کاشان، ۶۲۵ هجری

۲-۲: فرانمود در سفالینه های کاشان دوره ایلخانی
 هنر بیان احساس و اشاعه و سرایت دادن آن می‌باشد و عاطفه‌وا حساس مخاطب را بر می‌انگیزد و آنان را با احساس خود درگیر و مبتلا می‌کند «اگر ما درباره بازتاب‌هایمان در برابر هنر تأمل کنیم، خواهیم دید بسیاری از آنها بر دو فرض مرتبط مبتنی‌اند: نخست، یکی از اموری که هنرمندان انجام می‌دهند، فرانمود احساساتشان است؛ و دوم آن فرانمود یکی از مبادی ارزش زیباشناسانه است» (شپرد، ۱۳۸۵، ۳۴). البته وقتی می‌گوییم هنرمند عواطف خود را در اثر قرار می‌دهد با مشکلاتی روبرو می‌شویم، ما آن عواطف را جز از طریق اثر نمی‌توانیم بشناسیم، و اگر فکر کنیم فقط یک آهنگساز غمگین می‌تواند آهنگ غمگین بسازد؛ فقط یک شاعر عاشق می‌تواند شعر عاشقانه بگوید، و فقط یک نقاش خشمگین می‌تواند خشم را نقاشی کند کاملاً اشتباه اندیشیم. و همچنین با توجه به تنوع هنرها و تنوع هنرمندان اغلب اوقات نمی‌توانیم دریابیم که عواطف فرانمود شده در اثر هنری تا چه حد با عواطفی که هنرمند احساس می‌کند مطابقت دارد از این جهت و از طرفی چون اثر هنری و محتوای نهان و آشکار آن در برابر دیدگان مان است نه هنرمند آن اثر در هر صورت بیشتر به اثر معطوف می‌شویم تا به پدید آورنده آن، به این سبب خرد حکم می‌کند که بیشتر درباره عواطف فرانمود شده در اثر صحبت

یک اثر بازنمودی دارای ویژگی‌های خاص می‌باشد باید توجه داشته باشیم که تنها نسخه‌برداری ساده نیست که اعتنای ما را در آثار هنری طلب می‌کند. بلکه توازنی که بین نسخه‌برداری و قرارداد برقرار می‌شود مهم است. «حقیقت این است که هضم یک اثر هنری بازنمودی، هم مستلزم شناخت همانندی است و هم شناخت قراردادها» (شپرد، ۱۳۸۵، ۲۲). آثاری که با آن توازن برسند ارزشمندند زیرا تخیل ما را به کار و میدارند. و ما آثاری را ارج می‌نهیم که بیش از نسخه برداری قوه تخیل ما را فعال سازد هنرمندان سفالگر در شیوه بازنمایی بیشتر در صدد تقلید از طبیعت و نمایاندن آن بودند» در سده هشتم هجری عناصر چینی کاملاً وارد صنعت سفالسازی ایران شد و جا افتاد ترکیبات گل و گیاه و غنچه و ققنوس و مناظری که به طبیعت کاملاً نزدیک بودند، صحنه های نقاشی و تزیینات سفال را تشکیل دادند» (کامبخش فرد، ۱۳۸۶، ۴۷۱). در اینجا می‌توان گفت بهترین و کامل‌ترین نمونه‌ها، اشکال گیاهی بوده است. اشکال گیاهی در طراحی بیشتر اوقات به منزله زمینه بکار رفته که بر روی آن موضوعات تزیینی دیگری از قبیل تصاویر آدمی و حیوانی کشیده شده است. سفالگران دوره ایلخانی ظروف و مصنوعات خود را با اشکال پرندگان و حیوانات و جانوران که ساقه و شاخه های نباتی و برگ‌های گل آنها را فراگرفته و یا تصاویر انسانی می‌باشد زینت می‌دادند. و شاید بیشتر این اشکال، تصاویر دربارها و جشن‌ها و اجتماع‌هایی مانند تصاویر درویشان و رامشگران و گاهی صحنه‌هایی از جنگ را نمایش می‌دهد. آنچه که مسلم است تصویری که از طبیعت و یا حتی از افسانه و داستان‌های قدیمی بر روی ظروف سفالی این دوره نقش بسته شده است در مرتبه اول نوعی بازنمایی می‌باشد که هنرمندان آن را به همراه خیال و تصور خود آمیخته و بر روی سفالینه‌ها به نمایش گذاشته که همچون تابلوی نقاشی انسان را به تفکر و تماشای نشانند. از این دست از آثار «ظروف مینایی کاشان در مجموعه مارتمیرشیف با صحنه‌هایی از شکار گاه و بهرام گور و آزاده وجود دارد. علاوه بر نقش شکارگاه و مجالس بزم، میدان جنگ و تسخیر قلعه نیز از نقش‌های رایج روی ظروف کاشان است» (توحیدی، ۱۳۷۹، ۲۸۱).

به عنوان نمونه می‌توان به بشقابی بزرگ که در نگارخانه هنری فریر محفوظ است (تصویر شماره ۱۵) «به گونه فرسکو صحنه نبرد عظیم آمده که سپاهی مرکب از سوارکاران، پیادگان و پیلان برقله‌ای حمله‌ور شدند. همه پیکرهای اصلی این صحنه برچسب نام ترکی خورده‌اند و میتوان آن را صحنه نبرد انگاشت که در آن یکی از شاهزادگان کم اهمیت ایران همراه سپاه خود به یکی از قلاع حشاشین

کنیم. البته «فرانمود عواطف از راه رفتار و حالات صورت، فرهنگ به فرهنگ از جهاتی متفاوت است و عوامل فرهنگی نیز میتواند در مورد تداعی صفات فرامودی خاص با انواع خاصی از هنر موثر باشد» (شپرد، ۱۳۸۵، ۵۵). در تصویرگری هنر دوره ایلخانی فرانمود یا ابراز احساسات هنرمند سفالگر را می‌توان در تصویرگری عشق، در داستان بیژن و منیژه؛ اشاعه دین و مذهب هنرمند، در استفاده از احادیث و آیه‌های نوشته شده بر روی کاشی‌ها؛ تحسین قهرمان‌ها و داستان‌های ملی، در صحنه‌هایی از شاهنامه و خمسه نظامی مشاهده نمود. که البته این موضوعات ادامه سنت و میراث دوران‌های قبل از ورود مغولان می‌باشد به طور مثال نقوش سفالینه‌های مینایی کاشان معمولاً از داستان بیژن و منیژه الهام گرفته شده، و شامل موضوعاتی است، چون ابراز عشق بیژن به منیژه با تقدیم دسته گل؛ دستگیری بیژن به دست غلامان منیژه، به چاه افتادن بیژن؛ آمدن رستم به کنار چاه برای نجات بیژن. که این موضوعات در اشاعه احساس مخاطبان آثار سفالین نقش بسزایی داشته است.

در این دوره تزئین ظروف با نقوش انسانی نیز در اشاعه احساس و فرانمود هنر اهمیت میابد زیرا اندازه و نحوی قرارگیری نقش انسان و علاوه بر آن نحوه ترکیب بندی نقش انسان با دیگر نقوشی که سطح سفال را تزئین می‌کنند تصویری نمادین از حقیقت انسان را به نمایش می‌گذارند. و مخاطب را به شناخت شأن ازلی خویش را بر می‌انگیزد. «این نقوش در ضمن جذابیت و تحرک، بسیار ساده و به صورت نمادین و رمز گونه نشان داده شده است انسانی که نمایش دهنده تیپ و نمونه انسان است نه انسانی خاص و مشخص» (اکبری، ۱۳۸۲، ۱) (تصویر شماره ۲).



تصویر ۲: سفالینه با نقش زیر لعاب، کاشان قرن هشتم، دوره ایلخانی

از آنجا که هنرمند سفالگر برای بیان حقایق متعالی از نمادها یاری می‌گیرد و نماد واسطه سیر از ظاهر به باطن می‌باشد. گاه وجود یک نماد و نشانه‌ای خاص نیز در نقوش یک سفالینه می‌تواند احساسات مخاطب خود را برانگیزد.

◆ ۲-۳: فرم در سفالینه های کاشان دوره ایلخانی

فرم و ویژگی های فرمی یک اثر هنری بی‌شک توانمندی‌های شگفت‌انگیز هنرمند آن را بیان می‌دارد «در هنر بصری کیفیات شکلی بسی مهمتر از آن است که یک نظاره‌گر ساده‌نگر بتواند در ابتدای امر به تصور آورد. برای مثال، پیکرتراشی در یونان باستان اغلب به جهت استادی در تناسب اندام آدمی مورد تحسین قرار می‌گیرد: توازن و تناسب بسیار برای چشم مطبوع و دلنشین است» (شپرد، ۱۳۸۵، ۶۸). از ویژگی‌های شکلی یک اثر هنری توازن و تناسب است. درک آرایش فرمی، نقشی مهم در واکنش زیباشناسانه ما در برابر اشیاء دارد. فرم در زیباشناسی سفال چه از نظر شکل و ظاهر و چه با توجه به فضایی که می‌سازد برای نگارش نقوش و تزئین اهمیت دارد. با توجه به ساختار کلی فرم سفال آن را باید در دو بخش مجزا قرار داد کاشی و ظروف، ظروف این دوره شامل انواع، کاسه، بشقاب، کوزه، آبخوری، پیاله، ساغر، جام، خمره، تنگ، گلدان و غیره می‌باشد. کاشی نیز با توجه به انواع تکنیک‌های ساخت و تزئین و لعاب و کاربردهای متفاوت از اشکالی چون شش ضلعی، چند ضلعی‌های پیچیده، مربع و مستطیل، چلیپا، ستاره‌ای و غیره ساخته می‌شده است.

ظروف و سفالینه‌های کاشان از نظر فرمی در دوره‌های مختلف به خاطر زیبایی شکل و توازن و تناسب در اشکال و تناسب بین تزئین با موضوع و شکل ظروف امتیاز خاصی داشته است. «در سده‌های ششم و هفتم جام‌ها و کاسه‌های زیادی با قالب‌هایی به شکل خاص با دهانه تنگ و پایه بلند ساخته می‌شدند این کار از دیده سفالگران بسیار عملی و از نظر خریداران بسیار مقبول بود. ابریق‌ها و پیاله‌ها با دو قالب ساخته می‌شدند. نقاشی زیر لعابی هنوز گاهی در پیوند با برجسته‌کاری و یا بدون آن به کار می‌رفت. در این ظروف طرح‌ها به راستی خیلی ظریف بودند و با دیواره‌های بسیار نازک آنها کاملاً نسبت داشتند. در سده هفتم، ظریفترین این سفالینه‌های لعابدار از قرار معلوم ساخت کاشان بودند» (اتینگهاوزن، ۱۳۷۹، ۱۴۴).

تیز مورد تأکید قرار گرفته و همچنین طرح‌های اسلیمی مشترکی که به عنوان نقوش پرکننده هر کدام از بازوهای به کار رفته، به این تأکید کمک می‌کنند. چهار بازوی دیگر چلیپا، انتهای مربع شکل دارند و نقوش پرکننده، دو به دو در آنها به کار رفته است. در نتیجه، با وجود اینکه کاسه با طرح شعاعی هشت گوشه تزیین شده است، کلیت طرح مانند صلیب به نظر می‌رسد» (ولسن، ۱۳۸۳، ۳۶). این نوع ترکیب بندی و تزیین سفال در بردارنده ذوق هنری هنرمند در ایجاد تناسبات فرمی خاص و ویژه می‌باشد که قابل توجه و تحسین می‌باشد.

۳. رنگ در زیباشناسی سفالینه‌های کاشان دوره ایلخانی

رنگ یکی از عناصری است که در کیفیت زیبایی‌شناسی اثر نقش قابل توجهی دارد و در نگاه اول در نظر بیننده جلوه می‌کند. درباره رنگ‌آمیزی می‌توان گفت ذوق و سلیقه خوبی از طرف سفالگران به کار رفته و دامنه رنگ‌آمیزی وسیع بوده و رنگ‌های سبز و آبی را با تمام درجات آن به کار می‌بردند علاوه بر این گاهی رنگ‌های زرد و سفید و ارغوانی نیز استعمال می‌شده است. در رنگ‌آمیزی و لعاب دادن سفال «کاشان به روش‌های خاصی ممتاز بود، چون هنرمندان کوشش می‌کردند تمام عناصر نقوش تزیینی دارای وحدت شوند. ابتدا زمینه‌های را دارای عناصر اصلی، چه نقوش انسانی یا حیوانی یا گیاهی بود با لایه‌ای از لعاب شفاف پوشانده می‌شد، سپس تزیینات دقیقی از اشکال حلزونی یا خطوط منحنی یا نقطه‌ای بر آن نقاشی می‌شد، که از شدت تأثیر لعاب براق قهوه‌ای تیره میکاست. این تزیینات لعابدار بر روی موضوع‌های تکراری انسانی و حیوانی و گیاهی به طور فشرده و در هم، تشخیص بین زمینه و موضوع‌های نقش شده روی آن را مشکل می‌ساخت و تنها صورت اشخاص نقاشی‌شده و دست‌ها و پاهایشان بدون رنگ معینی باقی می‌ماند. مساحت‌های سفید کوچکی بین ترسیم‌های تزیینی به طور پراکنده نمودار است. ساختن سفال لعابدار براق در کاشان پیشرفت نمود و در دوره مغول به شکوفایی رسید، به طوری که مغولان حافظ بسیاری از سبک‌های سلجوقی معمول در این شهر به خصوص پس از ویرانی ری بودند» (علا، ۱۳۸۲، ۱۳۷).

از آن جهت که در این دوره طرح‌های گیاهی آزادتر شده و حالت سیال‌تری نسبت به قبل پیدا کردند. «پس زمینه مربوط به دوران پیش از مغول، تبدیل به مجموعه‌های پراکنده‌ای از نقطه‌ها شده و رنگ سیاه ملایم‌تر گشته و به رنگ سبز نزدیک‌تر شدند. لکه‌های فیروزه‌ای که جابه‌جا دیده می‌شوند، دلالت بر علاقه‌ای



تصویر ۳: کاسه با نقوش زیر لعابی، کاشان، اواخر قرن سیزدهم



تصویر ۴: کاسه با نقوش زیر لعابی، کاشان، اواخر قرن سیزدهم

از نظر زیباشناسی فرمی بعضی از سفالینه‌های کاشان دوره ایلخانی، قسمت داخلی‌شان به مناطقی تقسیم می‌شد که در قاعده ظرف مجتمع می‌گشت و هر کدام از آنها را حاشیه‌ای از کتابت از دیگری جدا می‌ساخت قابل توجه و اهمیت است. در اینجا دو نمونه کاسه نشان داده شده که در آن طرح‌های شعاعی به چشم می‌خورد. و در بردارنده تناسبات خاص فرمی این دوره می‌باشد «کاسه شماره یک (تصویر شماره ۳) دارای چلیپای مالتی^۴، توسط رنگ، مورد تأکید بصری قرار گرفته است. این چلیپا دارای کناره‌هایی پهن و سفید و تریج‌هایی گلابی شکل در بازوهایش است. در مرکز کاسه شماره دو (تصویر شماره ۴) تأکید بیشتری صورت گرفته و تعادل بین قابهای شعاعی در اینجا، به شکل ظریفی برقرار شده است. شکل ابتدایی چلیپا، با بازوهای

جهت گسترش رنگ آمیزی زیر لعابی دارند. و طرح‌های هندسی و طرح‌های اسلیمی متنوعی به عنوان نقوش پرکننده به کار می‌رفته است» (ویلسن آن، ۱۳۶۸، ۳۶). رنگ و لعاب در سفال‌های این دوره علاوه بر ظرافت و خوش ساختی خیلی زیبا و مطلوب بوده و دلالت بر مهارت فنی و حسن ذوق هنری این هنرمندان می‌کرده است.

◆ نتیجه‌گیری

شهر کاشان از جمله مناطق مهم سفالگری ایران بوده است. تنوع کمی و کیفی آثار این شهر در دوره اسلامی از جلوه‌های درخشان هنر اسلامی ایران به شمار می‌آید. دوره ایلخانی یکی از دوره‌های مهم در سفالگری این منطقه بوده است و آثار بر جامانده از این دوران از حیث زیبایی شناسی بسیار قابل توجه و چشمگیر است. آنچه می‌توان در بررسی زیبایی شناسی آثار این دوره گفت، موضوعاتی همچون مضمون تزیینات نقوش فرم و رنگ می باشد که با توجه به دیدگاه این مقاله به موضوع یعنی زیبایی شناسی آثار بر اساس آرای آن شپرد و تاکید بر برجستگی‌های هنری همچون باز نمود، فرانمود و فرم در آخر میتوان به نتایج کلی زیر اشاره کرد:

۱- آنچه که مسلم است تصاویری که برگرفته از طبیعت و گاه افسانه و داستان‌های قدیمی و یا جنگ‌ها بر روی ظروف سفالی این دوره نقش بسته شده است در مرتبه اول نوعی بازنمایی میباشد که هنرمندان آن را به همراه خیال و تصور خود آمیخته و بر روی سفالینه‌ها به نمایش گذاشته که همچون تابلوی نقاشی انسان را به تفکر و تماشای نشانند.

۲- در بحث فرانمود و بیان احساس هنرمند در اثر هنری یا آثار سفالین این دوره با توجه به پیوند نقوش با ادبیات و به تصویر کشیدن مضامین داستانی شاهنامه و خمسه نظامی و بیان و ابراز موضوعاتی همچون عشق، عرفان، مذهب، عبرت، دلاوری، ترس ... که هر یک در برگینده احساسی ویژه می‌باشد و می‌تواند در مخاطب احساسی را برانگیزد، اشاره کرد.

۳- در زیباشناسی فرم یا شکل در آثار این دوره آن چه قابل ذکر است استفاده از فرم‌های متناسب، هماهنگی در فرم و طرح نقوش سفالینه‌ها و اجزای نقوش سفالینه با یکدیگر می‌باشد.

◆ پی نوشت‌ها

۱. Imitation (سرمشق گیری، محاکات)
۲. expression (بیان، ابراز، القای حالت)
۳. form (شکل، قالب، صورت)
۴. چلیپای مالتی: چلیپایی با چهار بازوی متقاطع مساوی که

هر دو بازو از محل تقاطع رو به خارج تدریجاً پهن تر میشود تا به شکل پره‌ای در آید.

◆ فهرست منابع

۱. شپرد، آن، **مبانی فلسفه هنر**، ترجمه: علی رامین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵.
۲. رفیعی، لیلا، **سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر**، تهران، انتشارات یساولی، ۱۳۷۸.
۳. ویلسن آن، جمیز، **سفالگری اسلامی**، ترجمه: دکتر مهناز شایسته‌فر، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۳.
۴. کام‌بخش فرد، سیف‌الله، **سفال و سفالگری در ایران**، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۶.
۵. واتسون، آلیور، **سفال زرین فام ایرانی**، ترجمه: شکوه ذاکری، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۲.
۶. ولف، هانس، **صنایع دستی کهن ایران**، ترجمه: دکتر سیروس ابراهیم‌زاده، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۴.
۷. عباسیان، میر محمد، **تاریخ سفال کاشی در عهد ماقبل تاکنون**، تهران، انتشارات گوتنبرگ، ۱۳۷۹.
۸. توحیدی، فائق، **فن و هنر سفالگری**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
۹. اتینگهاوزن، ریچارد و گرابر، آک، **هنر و معماری اسلامی**، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت)، ۱۳۷۸.
۱۰. علام، نعمت اسماعیل، **هنرهای خاورمیانه در دوره اسلامی**، ترجمه عباسعلی تفضلی، مشهد، شرکت به نشر، ۱۳۸۲.
۱۱. اتینگهاوزن، ریچارد و یارشاطر احسان، **اوج درخشان هنرهای ایران**، ترجمه: هرمز عبدالمهی و روین پاکباز، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۹.
۱۲. کیانی، محمد یوسف، **پیشینه سفال و سفالگری در ایران**، تهران، انتشارات نسیم دانش، ۱۳۷۹.
۱۳. اکبری فاطمه، **هنر سفالگری و بررسی نقوش بر آن**، مدرس هنر، دوره اول، شماره سوم، ۱۳۸۲.
۱۴. اکبری، فاطمه، **پیشینه نقوش بر سفالینه‌های ایران**، دانشگاه تهران (پایان نامه)، ۱۳۷۵.

◆ فهرست منابع تصاویر

- تصویر شماره ۱. رفیعی، لیلا، **سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر**، تهران، انتشارات یساولی، ۱۳۷۸، صفحه ۲۲۶.
- تصویر شماره ۲. توحیدی، فائق، **فن و هنر سفالگری**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، صفحه ۳۳۶.
- تصویرهای شماره ۳ و ۴. ویلسن آن، جمیز، **سفالگری اسلامی**، ترجمه: دکتر مهناز شایسته‌فر، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۳، صفحه ۳۶.